

هنجارهای عاطفی واژگان دلبستگی در زبان فارسی

Affective Norms for Persian Attachment Related Words

Gheysar Maleki
PhD Candidate in Psychology
Shahid Beheshti University

Ali Mazaheri, PhD
Shahid Beheshti University

علی مظاهری*
استاد گروه روان‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی

قیصر ملکی
دانشجوی دکتری رشته روان‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی

Vahid Nejati, PhD
Shahid Beheshti University

Khatereh Borhani, PhD
Shahid Beheshti University

خاطره برهانی
استادیار گروه روان‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی

وحید نجاتی
دانشیار گروه روان‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی

Azin Seraj
MA Student in Psychology
Shahid Beheshti University

آذین سراج
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف این پژوهش، تهیه هنجارهای عاطفی واژگان مرتبط با دلبستگی در زبان فارسی بود. این پژوهش در سه مرحله انجام شد. در مرحله نخست، ۷۲ نفر (۴۳ زن، ۲۹ مرد) از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی جهت گردآوری واژگان مرتبط با دلبستگی و در مرحله بعد، از میان پژوهشگران و متخصصان قلمرو دلبستگی در شهر تهران، ۳۵ نفر (۲۷ زن، ۸ مرد) به منظور ارزیابی ارتباط واژگان گردآوری شده با دلبستگی انتخاب شدند. در مرحله آخر، ۱۲۴ نفر (۶۵ زن، ۵۹ مرد) از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران، واژگان غربال شده را بر اساس روی آورد ابعادی هیجان و نیز ارتباط با دلبستگی، در قالب یک آزمون رایانه‌ای مورد ارزیابی قرار دادند. انتخاب نمونه در هر سه مرحله با روش دردسترس انجام شد و از آزمون خودارزیابی آدمکی (برادلی و لانگ، ۱۹۹۴) به منظور بررسی ظرفیت هیجانی و برانگیختگی واژه‌ها استفاده شد. برای تحلیل یافته‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. پس از چند مرحله غربالگری، ۱۰۷ واژه مرتبط با دلبستگی، جمع‌آوری و ابعاد هیجانی آن به شکل توصیفی ارائه شد. نتایج نشان داد بین «مرتبط بودن واژگان با دلبستگی» با ظرفیت هیجانی و برانگیختگی به ترتیب رابطه مثبت و منفی و بین ظرفیت و برانگیختگی، رابطه منفی معنادار وجود دارد. مقایسه دو جنس نیز نشان داد که زنان واژگان مثبت را خوشایندتر و واژگان منفی را ناخوشایندتر از مردان ارزیابی می‌کنند. در ارتباط با برانگیختگی تفاوتی بین دو جنس مشاهده نشد. مجموعه واژگان تهیه شده در این پژوهش به دلیل همگنی بالا و هنجار ارائه شده می‌تواند ضمن بالا بردن قابلیت تکرارپذیری یافته‌ها، منجر به تسهیل ارتباط علمی میان پژوهشگران قلمرو دلبستگی شود و امکان مقایسه نتایج پژوهش‌های مختلف را فراهم سازد.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، واژه، هنجار، ظرفیت هیجانی، برانگیختگی

Abstract

This study aimed to develop affective norms for Persian attachment related words in three phases. In the first phase, 72 students (43 female, 29 male) of Shahid Beheshti University were selected to collect attachment related words. In the second phase, 35 attachment specialists (27 female, 8 male) in Tehran, were chosen to evaluate attachment relevance of words. In the last phase, 124 students (65 female, 59 male) of Shahid Beheshti University were chosen and they rated selected words respect to emotional dimensions through Self-Assessment Manikin (Bradley & Lang, 1994) and attachment relevance. Pearson correlation coefficient and mixed ANOVA were used for analysis. After several phases of screening, 107 attachment related words were collected and we presented their emotional dimensions in a descriptive manner. Results showed that attachment relevance has a positive correlation with valence and negative correlation with arousal. There was a negative relationship between valence and arousal. Although females had a positive and negative bias in valence rating of respected words, there was no significant gender difference in arousal. The set of words that was prepared in this study can make the replication of results and scientific communication easier and provides the possibility of comparing results of different studies especially in the field of attachment.

Keywords: attachment, word, norms, emotional valence, arousal

received: 08 April 2019

accepted: 09 June 2019

Contact information: mazaheri47@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته روان‌شناسی بالینی است.

مقدمه

دلبستگی^۱ از دیدگاه بالبی (۱۹۶۹) عبارت است از پیوند هیجانی پایدار میان کودک در حال تحول و مراقب او. بر اساس نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۸۲)، تعامل با مراقبین اولیه در روزهای نخست زندگی منجر به شکل‌گیری بازنمایی‌های ذهنی^۲ از خود و دیگری می‌شود که این بازنمایی‌ها تحت عنوان مدل‌های درون‌کاری^۳ مفهوم‌سازی شده و تأثیر شگرفی بر درک کنونی افراد از ابعاد شناختی و هیجانی روابط نزدیک گذاشته‌اند. مدل‌های درون‌کاری همانند طرحواره‌های شناختی^۴، هنگام پردازش اطلاعات جدید به‌طور خودکار فعال شده (دیکاس، وودهاوس، جونز و کسیدی، ۲۰۱۴) و در دوران بزرگسالی بر تنظیم فکر، رفتار و هیجان اثر می‌گذارند (ادلستاین و گیلات، ۲۰۰۸). تجربه‌های نخستین با نگاره‌های دلبستگی، نه تنها بر شناخت و هیجان بلکه بر تحول و رشدیافتگی^۵ مغز و ساختارها و کارکردهای مغزی اثرات پایداری می‌گذارد (نورمن، لاورنس، ایلس، بناتایلا و کارل، ۲۰۱۴). شواهد تجربی نیز به‌وسیله تصویربرداری رزونانس مغناطیسی کارکردی^۶، این یافته را تأیید کرده‌اند (گاندر و باچیم، ۲۰۱۵؛ لیو، دینگ، لو و چن، ۲۰۱۷؛ وارن و دیگران، ۲۰۱۰).

نتیجه اصلی کنش متقابل میان مراقب و کودک، ایجاد نوعی دلبستگی عاطفی میان آن‌ها است که این رابطه عاطفی، ارزش تکاملی^۷ دارد و سبب می‌شود کودک به هنگام ترس و عدم اطمینان، آسایش حاصل از وجود مادر به‌عنوان نگاره اصلی دلبستگی را جست‌وجو کند و به همجواری^۸ و نزدیکی با وی گرایش یابد (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۵). میزان دسترس‌پذیری، پاسخگو بودن و حمایت‌گری مراقبین منجر به ایجاد سبک‌های مختلف دلبستگی با تفاوت‌های قابل توجه می‌شود (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). زمانی که تلاش کودک برای غلبه بر ترس و تنیدگی و جست‌وجوی پایگاه امن، به نتیجه مطلوب بیانجامد و

نگاره دلبستگی حمایت لازم را فراهم آورد، فرد دوباره احساس ایمنی می‌کند و نظام دلبستگی از فعالیت بازمی‌ایستد. تعامل‌های مکرر با یک نگاره دلبستگی به انتظارات مثبت در فرد و اعتماد به دسترس بودن دیگران به هنگام نیاز منجر می‌شود و این ویژگی افراد دارای دلبستگی ایمن^۹ است (دانگس، زیشل، کرسیتینگ و ساسلو، ۲۰۱۵). در مقابل، اگر نگاره دلبستگی، غیرقابل دسترس و غیرپاسخگو باشد، احساس ناایمنی باقی می‌ماند و منجر به استفاده از راهبردهای جانیشینی^{۱۰} می‌شود. افراد اجتنابی^{۱۱} با به‌کارگیری این راهبردها، سعی در بازداری و ممانعت از سرنخ‌های مرتبط با روابط نزدیک دارند (الدستاین و گیلات، ۲۰۰۸؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷) که پیامد بهره‌گیری از چنین راهبردهایی، داشتن تصویری منفی از نگاره دلبستگی (ویکا و ولیمایر، ۲۰۱۲) و سرکوب نیازهای دلبستگی خود (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷) است. درحالی‌که افراد اجتنابی به استفاده از راهبردهای نافع‌ساز^{۱۲} روی می‌آورند، ویژگی عمده افراد اضطرابی^{۱۳} در پردازش اطلاعات هیجانی، به‌کارگیری راهبردهای فزون‌فعال‌سازی^{۱۴} است (مایر و دیگران، ۲۰۰۵). از ویژگی‌های اصلی افراد دارای سبک اضطرابی، نیاز افراطی به نزدیکی، نگرانی مداوم درباره رابطه، ترس از طرد شدن^{۱۵} و به‌طور کلی تشدید نیازهای دلبستگی و فزون‌فعالیتی است (دانگس و دیگران، ۲۰۱۵؛ فرالی، نیدنتال، مارکس، برامباگ و ویسری، ۲۰۰۶).

فارغ از نحوه پاسخ‌دهی والدین به نیاز کودک، عمل رفتاری دلبستگی چنان پرآموزی^{۱۶} می‌شود که ممکن است قوانین آن به‌صورت خودکار^{۱۷} درآمده و خارج از هشیاری عمل کنند (بالبی، ۱۹۸۲؛ دویت و دی‌هاور، ۲۰۰۸؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۵). تأکید بر اجتناب از اضافه‌بار اطلاعات^{۱۸} و پردازش گزینشی سرنخ‌های ورودی در آرای اولیه بالبی (۱۹۶۹، ۱۹۸۲)، ممانعت نظام‌مند^{۱۹} و سرکوب‌گری^{۲۰} تجربه‌های مرتبط با دلبستگی

1. attachment

2. mental representations

3. internal working models

4. cognitive schemata

5. maturity

6. Functional Magnetic Resonance Imaging (fMRI)

7. evolutionary

8. proximity

9. secure attachment style

10. alternative strategies

11. avoidant individuals

12. deactivating strategies

13. anxious individuals

14. hyper-activating strategies

15. fear of rejection

16. overlearn

17. automatic

18. information overload

19. systematic exclusion

20. suppression

تامسون، ۱۹۹۳؛ میکولینسر، بیرهام، ودیس و نچمیس، ۲۰۰۰). افزون بر آن، علاقه پژوهشگران به شناخت حالت‌های فیزیولوژیک و رفتاری مرتبط با دلبستگی طی سالیان گذشته، منجر به افزایش پژوهش‌هایی شده است که از سنجش‌های فیزیولوژیک و تکنیک‌های تصویربرداری مغزی در کودکان، نوجوانان و بزرگسالان بهره می‌گیرند. بررسی نشانگرهای فیزیولوژیکی^{۱۰} رفتار دلبستگی (گاندر و باچیم، ۲۰۱۵)، سنجش تغییرات نظام درون‌ریز عصبی^{۱۱} (والر و دیگران، ۲۰۱۵؛ هافمیجر و دیگران، ۲۰۱۳)، و نیز مکان‌یابی نقاط مغزی مرتبط با رفتار دلبستگی (برای مثال، اسواین و دیگران، ۲۰۱۴؛ پارسونز، یانگ، ماری، استین و کرینگلباک، ۲۰۱۰؛ لیو و دیگران، ۲۰۱۷) را می‌توان از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش‌ها دانست.

در این روی‌آورد پژوهشی جدید، پژوهشگران برای بررسی همبسته‌های شناختی و عصب فیزیولوژیکی^{۱۲} روابط نزدیک، از اثر برانگیزان^{۱۳} محرک‌های مرتبط با دلبستگی بهره گرفته‌اند (برای مثال، دوتان، لین، کارن و باتولومو، ۲۰۱۶). بیشتر پژوهش‌های پیشین، در قالب محرک‌های نامعتبر و نامرتبط^{۱۴} با دلبستگی به بررسی تفاوت در پردازش اطلاعات افراد دارای سبک‌های دلبستگی پرداخته‌اند و معمولاً از محرک‌های تهدیدآمیز کلی^{۱۵} (دویت، کاستر، دی‌هاور و بایس، ۲۰۰۷؛ لی، هینیش، کانگل و اسپانگلر، ۲۰۱۶)، تظاهرات چهره‌ای^{۱۶} (دان و راز، ۲۰۱۲)، یا تصاویر اجتماعی^{۱۷} (کاپیس و کیزلی، ۲۰۱۲) استفاده کرده‌اند. با وجود این، استفاده از محرک‌های مرتبط و انتخاب دقیق آن‌ها به‌منظور فعال‌سازی نظام دلبستگی، نتایج معتبرتری در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، تهیه مجموعه‌ای هماهنگ و همگن با تعداد زیادی از محرک‌ها برای بررسی همبسته‌های عصب فیزیولوژیک دلبستگی، اجتناب‌ناپذیر است. برای مثال، در برخی تکالیف رایانه‌ای یا تکنیک‌های تصویربرداری عصبی، بیش از ۳۰۰ کوشش آزمایشی طراحی می‌شود و برای

توسط افراد اجتنابی (کسیدی و کوباک، ۱۹۸۸)، مطرح ساختن طرحواره‌های رابطه‌ای^۱ و اثرات شبه‌طرحواره^۲ نظام دلبستگی (بالدوئین، ۱۹۹۵)، نشان‌دهنده اهمیت پردازش خودکار و گزینشی اطلاعات دلبستگی در دیدگاه سردمداران این مفهوم است. با وجود این، مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد جنبه‌های خودکار که یکی از جنبه‌های بسیار حیاتی دلبستگی است، تا حدود زیادی مورد غفلت قرار گرفته است.

همچنین مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که دانش به‌دست آمده از مفاهیم دلبستگی، بیش از همه وابسته به ابزارهای خودگزارش‌دهی^۳ است. این ابزارها برای شناسایی و تبیین بازنمایی‌های آگاهانه از روابط دلبستگی مفید است، اما برخی از ابعاد مدل‌های درون‌کاری، خارج از هشیاری آگاهانه قرار دارند و انعکاس و گزارش مستقیم آن‌ها در قالب پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی ممکن نیست. ابزارهای خودگزارش‌دهی تنها نتیجه نهایی فرایندهای پردازش اطلاعات و نه خود این فرایندها را پوشش می‌دهند (فرالی و دیگران، ۲۰۰۶). افزون بر آن، شواهد نشانگر نبود آزمون‌های معتبر کافی در قلمرو دلبستگی به‌طور کلی و دلبستگی بزرگسالان به‌طور اختصاصی است که این امر بر لزوم گسترش روش‌های معتبر سنجش و اندازه‌گیری در قلمرو دلبستگی تأکید دارد (شیور و میکولینسر، ۲۰۰۴).

از این‌رو، در سالیان اخیر پژوهش‌های تجربی و کنترل‌شده برای بررسی تأثیر بازنمایی‌های مرتبط با دلبستگی بر فرایند پردازش اطلاعات با بهره‌گیری از ابزارهای ضمنی^۴ افزایش یافته است (بوسمانس، بولز، دویت، دی‌وینتر و برت، ۲۰۱۴؛ دویت و دی‌هاور، ۲۰۰۸؛ دویت، دی‌هاور، گوبرت و بایس، ۲۰۱۰؛ دویت و کاستر، ۲۰۱۴). این ابزارها شامل تکالیف حافظه ضمنی^۵، روش‌های برانگیزان معنایی و عاطفی^۶، تکلیف تصمیم‌گیری واژگانی^۷، تکلیف تداعی ضمنی^۸ و آزمون دات‌پروب^۹ هستند (برای مثال، بالدوئین، فر، کیدیان، سیدل و

1. relational schemas

2. schema-like effects

3. self-report

4. implicit measures

5. implicit memory tasks

6. semantic and affective priming techniques

7. lexical decision task

8. implicit association task

9. dot-probe

10. physiological markers

11. neuroendocrine system

12. neurophysiological

13. priming effect

14. invalid and unrelated

15. general threat stimuli

16. facial expressions

17. social images

اجتناب از تکرار بیش از اندازه کوشش‌ها، به مجموعه بزرگی از محرک‌ها نیاز است.

بر اساس اطلاعات نویسندگان، تنها دو پژوهش با هدف گردآوری مجموعه‌ای هماهنگ از محرک‌های تصویری مرتبط با دلبستگی صورت گرفته است (سیمانسکا و دیگران، ۲۰۱۵؛ ملکی، مظاهری و دهقانی، ۱۳۹۲) و پژوهشی که بر تهیه واژگان مرتبط با این مفهوم بپردازد، یافت نشد. این در حالی است که پژوهشگران پیشین، دو نظام پردازشی متفاوت در مغز برای واژه و تصویر در نظر گرفتند و تأکید داشتند که این دو نوع محرک به‌رغم اشتراکات فراوان، منجر به بروندادهای رفتاری متفاوتی می‌شوند (رلک، پالازوا، سومر و اسکات، ۲۰۱۱؛ شیندلر، وگرین، استیچر و کیسلر، ۲۰۱۵). از مزیت‌های قابل توجه واژه‌ها برای پژوهشگر، داشتن امکان کنترل کمی مجموعه‌ای از ویژگی‌های محرک است؛ برای مثال، تعداد هجاها و حروف هر کلمه (هو و دیگران، ۲۰۱۵)، درحالی‌که پیچیدگی موجود در تصاویر هیجانی و اجزای گوناگون آن‌ها (برای مثال، رنگ، روشنایی، تیزی^۱ و تضاد^۲) معمولاً این امکان را از پژوهشگران سلب می‌کند (ریگل و دیگران، ۲۰۱۵). توضیح این نکته ضروری است که تهیه مجموعه محرک‌های واژه‌ای، افزون بر مطابقت عوامل مختلف همچون طول واژه و هجاهای آن، مستلزم اندازه‌گیری دقیق محتوای هیجانی آن‌ها نیز هست. راهبرد غالب برای بررسی اجزای هیجانی محرک‌های مختلف، بهره‌گیری از روی‌آورد ابعادی است که نخستین بار توسط اسکود^۳ و دیگران (۱۹۵۷) نقل از فان‌رنسبرگن، دیدین و استرمز، (۲۰۱۶) و در ادامه توسط راسل^۴ (۱۹۷۴) نقل از باینین و فلدر، (۲۰۱۷) معرفی شد. مطابق با این روی‌آورد، هر محرک هیجانی از سه وجه ظرفیت^۵ (خوشایندی یا ناخوشایندی^۶ محرک)، برانگیختگی^۷ (شدت تجربه هیجانی) و تسلط^۸ (میزان مهار فرد بر هیجان غالب شده توسط محرک) برخوردار است. هنجاریابی واژگان انگلیسی (برادلی و لانگ، ۱۹۹۹)، هلندی (مورز و دیگران، ۲۰۱۳)، فرانسوی (فرند و دیگران، ۲۰۱۰؛ مانیر و سیساو، ۲۰۱۴)، پرتغالی (سوارز، کامسانا، پینهیرو، سیموز و فرید،

۲۰۱۲)، چینی (هو و دیگران، ۲۰۱۵) و مجموعه دیگر واژگان هیجانی-شناختی طبق روش‌شناسی فوق انجام شده است. بر اساس جست‌وجوی نویسندگان، در زبان فارسی نیز تنها دو پژوهش به بررسی بار هیجانی واژگان فارسی (نظری، خیاطی، پورشریفی، حکیمی و شجاعی، ۱۳۹۲) و واژگان فارسی مرتبط با وسواس (نجاتی، ملکی، ذبیح‌زاده و صفرزاده، ۱۳۹۱) پرداخته‌اند.

با توجه به ضرورت وجود مجموعه‌ای همگن از محرک‌ها برای استفاده در پژوهش‌های شناختی و عصب فیزیولوژیک مرتبط با دلبستگی، هدف این پژوهش، تهیه مجموعه واژگان فارسی مرتبط با دلبستگی و هنجاریابی ابعاد هیجانی آن است. همچنین، با توجه به مشاهده تفاوت‌های جنسیتی در ارزیابی ابعاد هیجانی محرک‌ها (استیونز و هامان، ۲۰۱۲؛ دنگ، چانگ، یانگ، هو و ژو، ۲۰۱۶)، هدف دیگر این پژوهش، بررسی تفاوت دو جنس در نمره‌دهی به ظرفیت هیجانی و برانگیختگی واژگان دلبستگی است.

روش

روش این پژوهش، توصیفی بود. شرکت‌کنندگان این پژوهش در سه مرحله انتخاب شدند. جامعه آماری در مرحله نخست شامل دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در نیمسال اول تحصیلی ۹۸-۹۷ بود که از بین آن‌ها ۷۲ نفر (۴۳ زن، ۲۹ مرد) برای گردآوری واژگان مرتبط با دلبستگی انتخاب شدند. در مرحله بعد، از میان پژوهشگران و متخصصان قلمرو دلبستگی در شهر تهران، ۳۵ نفر (۲۷ زن، ۸ مرد) به‌منظور ارزیابی ارتباط واژگان گردآوری‌شده با دلبستگی انتخاب شدند. در مرحله آخر، ۱۲۴ نفر (۶۵ زن، ۵۹ مرد) از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران، واژگان غربال‌شده را بر اساس روی‌آورد ابعادی هیجان و نیز ارتباط با دلبستگی در قالب یک آزمون رایانه‌ای مورد ارزیابی قرار دادند. انتخاب نمونه در هر سه مرحله با روش دردسترس انجام شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش در جدول ۱ قابل مشاهده است.

1. acuity
2. contrast
3. Osgood, C. E.

4. Russell, J. A.
5. valence
6. pleasantness or unpleasantness

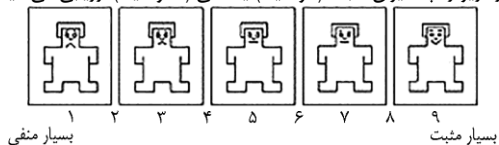
7. arousal
8. dominance

تعداد	زبان			وضعیت تأهل		تحصیلات			سن		جنس	
	کرد	ترک	فارس	مجرد متأهل	مجرد متأهل	دکتری	کارشناسی ارشد	SD	M	مرد	زن	
۷۲	۱۳	۱۷	۴۲	۲۵	۷۲	۶	۵۰	۱۶	۳/۴۶	۲۸/۱۸	۲۹	۴۳
۳۵	۲	۹	۲۴	۱۶	۳۵	۹	۲۶	-	۳/۷۲	۲۹/۸۵	۸	۲۷
۱۲۴	۱۴	۲۷	۸۳	۳۶	۱۲۴	۴	۹۴	۲۶	۲/۷۹	۲۷/۸۶	۵۹	۶۵

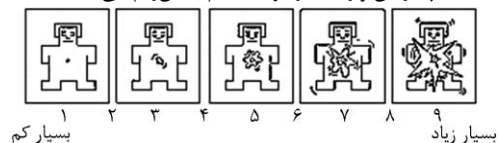
سنجش بعد سوم صرف‌نظر شده است (دان گلاسر و شرر، ۲۰۱۱؛ هابریکمپ، گلوبیوسکی، اسمیت و بریکف، ۲۰۱۷؛ هو و دیگران، ۲۰۱۵)، در این پژوهش نیز واژه‌ها تنها بر مبنای بعد اول و دوم مورد ارزیابی قرار گرفتند (شکل ۱). برادلی و لانگ (۱۹۹۴) روایی همگرای این آزمون را از طریق اجرای همزمان آن با مقیاس افتراق معنایی^۴ (مهربان^۵ و راسل^۶، ۱۹۷۴) برابر با ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. همچنین نتایج تحلیل عاملی آن‌ها، مدل سه بعدی هیجان - ظرفیت، برانگیختگی و تسلط - را تأیید کرد. مطابق با نتایج به‌دست آمده از پژوهش نظری، نبی‌زاده چپانی، واحدی و رستمی (۱۳۹۱)، روایی همگرای این ابزار با پرسشنامه سنجش ابعاد خوشایندی و انگیزتگی (نظری و دیگران، ۱۳۹۱) بین ۰/۵۶ تا ۰/۷۸ به‌دست آمد. ضریب اعتبار نسخه فارسی این آزمون نیز با روش بازآزمایی به فاصله دو هفته و آلفای کرونباخ، به‌ترتیب برابر ۰/۵۵ و ۰/۷۸ گزارش شد (نظری و دیگران، ۱۳۹۱).

در این پژوهش ضریب اعتبار با روش آلفای کرونباخ برای بعد ظرفیت هیجانی ۰/۸۶ و برای بعد برانگیختگی ۰/۸۱ به‌دست آمد.

واژه زیر را چه میزان مثبت (خوشایند) یا منفی (ناخوشایند) ارزیابی می‌کنید؟



چقدر این واژه شما را برانگیخته (هیجان‌زده) می‌کند؟



شکل ۱. آزمون خودارزیابی آدمک برای اندازه‌گیری ابعاد هیجانی پاسخ به محرک

آزمون خودارزیابی آدمک^۱ (برادلی و لانگ، ۱۹۹۴). این آزمون یک ابزار تصویری^۲ که مبتنی بر روی آورد ابعادی هیجان (راسل، ۱۹۷۴ نقل از باینین و فلدنر، ۲۰۱۷) است، اجزاء سه‌گانه یک پاسخ هیجانی را اندازه می‌گیرد. بعد نخست دربردارنده ظرفیت یا بار هیجانی یک پاسخ (از صفر= بسیار منفی تا ۹= بسیار مثبت) است که خوشایندی یا ناخوشایندی تجربه هیجانی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بعد دوم، برانگیختگی ادراک‌شده (از صفر= بسیار آرام تا ۹= بسیار برانگیخته) و بعد سوم، میزان مهار یا تسلط بر تجربه هیجانی (از صفر= بسیار کم تا ۹= بسیار زیاد) را اندازه می‌گیرد. این آزمون به شکل قلم-کاغذی و رایانه‌ای در دسترس است که در این پژوهش از نسخه رایانه‌ای آن استفاده شد. اجرای آزمون بدین صورت است که در صفحه نمایشگر، محرک مورد نظر که زیر آن، ۵ آدمک با حالت‌های هیجانی مختلف (از بسیار خندان و خوشحال تا خنثی و بسیار ناراحت و غمگین) در یک ترتیب منظم قرار دارند، به آزمودنی نشان داده می‌شود. این سوال به منظور ارزیابی بار هیجانی محرک‌ها است. در سوال بعدی که هدف آن ارزیابی میزان برانگیختگی ایجاد شده توسط محرک است نیز ۵ آدمک مختلف در حالت بسیار آرام (با چشمان بسته) تا بسیار برانگیخته (چشمان باز و هیجان‌زده) تنظیم شده است. همچنین در سوال سوم که برای سنجش میزان مهار (تسلط) طراحی شده است، آدمک‌ها در وضعیت بسیار کوچک، رام‌شده^۳ و تحت کنترل تا بسیار حجیم و مسلط قرار دارند (باینین و فلدنر، ۲۰۱۷). در هر سه سوال، شرکت‌کنندگان می‌بایست روی مقیاس ۹ درجه‌ای که زیر آدمک‌ها قرار دارد، حالت هیجانی فعلی خود را مشخص کنند. از آنجا که در بسیاری از پژوهش‌های جدید از

1. Self-Assessment Manikin (SAM)

3. submissive

5. Mehrabian, A.

2. pictorial

4. Semantic Differential Scale (SDS)

6. Russell, J. A.

این پژوهش در سه مرحله اجرا شد. مرحله نخست به منظور گردآوری واژگان مرتبط با دلبستگی طراحی شد. این مرحله به صورت اینترنتی انجام شد و دستورالعمل زیر به شرکت کنندگان ارائه شد: «با شنیدن یا دیدن واژه «دلبستگی» چه واژه‌ها و مفاهیم خوشایند یا ناخوشایندی برای شما تداعی می‌شود؟ منظور از دلبستگی، رابطه با افراد مهم از جمله اعضای خانواده، همسر، دوست و به طور کلی نزدیکان است. لطفاً دست کم به ۱۰ واژه که برای بار نخست به ذهنتان می‌رسد، اشاره کنید. دقت کنید که می‌بایست فقط به واژه و نه عبارت، جمله یا ... اشاره کنید». نمونه برداری در این مرحله تا زمانی ادامه پیدا کرد که واژه جدیدی توسط شرکت کنندگان گفته نشد. این روش‌شناسی توسط پژوهشگران مختلفی (برای مثال، پیزیکانی، ۲۰۰۷) به کار گرفته شده است. تعداد واژگان تداعی شده در این مرحله بدون احتساب موارد تکراری، ۴۰۸ واژه بود. در مرحله بعد، واژگان غربال‌گری شد، بدین گونه که مفاهیم خاص شرکت کنندگان و عبارت‌های طولانی و نیز واژه‌ها و عبارت‌های کمیاب (برای مثال، حوض خانه مادر بزرگ، دوست‌داشتنی بودن، هوای یکدیگر را داشتن، دقیقاً کجایی؟، ندارم و ...) حذف شدند. سپس واژگانی که حداقل سه بار توسط شرکت کنندگان تداعی شده بود (۱۱۰ مورد) برای مرحله بعد گزینش شدند. در مرحله دوم، واژگان انتخاب شده در قالب یک فرم و به صورت آنلاین در ترتیبی کاملاً تصادفی به پژوهشگران و متخصصان نظریه دلبستگی ارائه شد و از آن‌ها خواسته شد تا میزان ارتباط هر واژه با دلبستگی را روی یک مقیاس ۱۰ درجه‌ای (از ۱ = کاملاً نامرتب تا ۱۰ = کاملاً مرتبط) ارزیابی کنند. ملاک انتخاب شرکت کنندگان در این مرحله، آشنایی نسبتاً زیاد با نظریه دلبستگی بود. داشتن دست کم یک اثر علمی (پایان نامه، مقاله یا کتاب) یا کار بالینی با روی آوردن دلبستگی محور یا مرتبط با دلبستگی (برای مثال، زوج‌درمانی هیجان‌مدار) معیار آشنایی افراد با نظریه دلبستگی قرار گرفت.

مرحله سوم به منظور بررسی ابعاد هیجانی هر واژه و نیز ارتباط با دلبستگی انجام شد. در این مرحله از شرکت کنندگان خواسته شد تا در قالب یک آزمون رایانه‌ای، هر واژه را بر اساس دو بعد ظرفیت هیجانی و میزان برانگیختگی ارزیابی کنند. در صفحه اول، دستورالعمل آزمون، ارائه و به هر شرکت کننده توضیح داده شد که «در این آزمون، فهرستی از واژگان به شما نشان داده می‌شود و درباره هر کدام سه سوال پرسیده می‌شود. دو سوال نخست درباره احساس یا حالت هیجانی شما به محض دیدن آن واژه و سوال سوم در مورد میزان ارتباط آن واژه با روابط نزدیک و دلبستگی به دیگران است». پس از مطالعه دستورالعمل، پنج کوشش آزمایشی با واژه‌های نامرتب اجرا شد. چنانچه شرکت کنندگان هر گونه ابهامی در درک سوال‌ها داشتند، یک بار دیگر به طور دقیق دستورالعمل برای آن‌ها توضیح داده می‌شد و در صورت نبود ابهام و فهم کامل دستورالعمل، آزمون اصلی به اجرا درمی‌آمد. زمان ارائه برای هر صفحه، ۵ ثانیه و فاصله صفحه‌ها، دو ثانیه بود. اگر شرکت کننده به یک صفحه در کم‌تر از پنج ثانیه پاسخ می‌داد، می‌توانست با کلیک کردن روی گزینه NEXT به صفحه بعدی منتقل شود.

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های میانگین، انحراف استاندارد و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت کنندگان در متغیرهای ظرفیت هیجانی، برانگیختگی و ارتباط با دلبستگی ارائه شده است. متغیر ارتباط با دلبستگی در دو مرحله اندازه‌گیری شده است؛ نخست توسط متخصصان دلبستگی و سپس توسط شرکت کنندگان مرحله آخر. این دو در جدول ۲ به ترتیب با عنوان ارتباط ۱ و ارتباط ۲ نشان داده شده است.

میانگین و انحراف استاندارد ظرفیت هیجانی، برانگیختگی و ارتباط با دلبستگی (منظور از ارتباط ۱، دیدگاه متخصصان درباره ارتباط هر واژه با دلبستگی و منظور از ارتباط ۲، دیدگاه شرکت کنندگان مرحله سوم است).

واژه	ارتباط ۱		ظرفیت هیجانی		برانگیختگی		ارتباط ۲	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
۱. اجتناب	۳/۱۱	۷/۰۲	۲/۲۱	۳/۱۰	۱/۹۸	۴/۶۸	۲/۱۵	۶/۵۵
۲. ارتباط	۱/۶۹	۸/۳۳	۲/۳۶	۶/۵۵	۲/۲۱	۶/۰۴	۲/۵۵	۸/۹۱
۳. ارزشمندی	۲/۱۹	۸/۲۷	۲/۱۸	۷/۱۰	۲/۵۵	۴/۴۵	۲/۲۶	۷/۱۳
۴. ازدواج	۱/۹۷	۸/۱۶	۱/۹۸	۸/۰۲	۲/۳۴	۶/۶۵	۲/۴۴	۹/۲۱
۵. اشتیاق	۱/۷۵	۸/۰۵	۱/۷۹	۸/۲۴	۲/۲۶	۶/۲۴	۲/۵۸	۸/۴۶
۶. اضطراب	۲/۷۵	۷/۲۷	۱/۴۵	۲/۰۴	۱/۷۴	۷/۰۳	۲/۷۵	۷/۸۱
۷. اطمینان	۱/۹۹	۸/۶۹	۳/۳۵	۷/۱۲	۲/۳۳	۴/۴۲	۱/۸۷	۸/۰۹
۸. اعتماد	۱/۱۶	۹/۱۹	۲/۱۵	۸/۲۶	۲/۵۵	۶/۳۸	۱/۶۶	۹/۰۲
۹. امنیت	-۰/۸۷	۹/۵۵	۱/۹۸	۸/۱۲	۲/۴۱	۵/۸۴	۱/۲۸	۹/۲۲
۱۰. امید	۲/۲۸	۷/۶۶	۲/۳۶	۸/۴۵	۲/۲۱	۷/۸۸	۳/۱۶	۷/۵۳
۱۱. انتظار	۲/۴۱	۶/۵۲	۳/۷۶	۵/۴۶	۲/۳۷	۶/۶۸	۲/۲۶	۶/۸۹
۱۲. انس	۱/۴۱	۸/۳۸	۲/۵۷	۷/۸۶	۳/۵۲	۵/۰۱	۱/۸۸	۸/۴۵
۱۳. آرامش	۱/۰۲	۹/۲۲	۲/۱۲	۸/۷۵	۲/۳۱	۷/۷۲	۱/۱۵	۹/۳۶
۱۴. آشفتگی	۲/۵۴	۶/۸۸	۲/۱۱	۲/۲۴	۲/۴۵	۷/۶۰	۲/۳۷	۶/۶۵
۱۵. آغوش	-۰/۸۰	۹/۰۸	۱/۷۷	۸/۲۵	۲/۸۲	۸/۰۲	۱/۰۹	۹/۲۲
۱۶. برادر	۲/۵۴	۵/۸۳	۳/۱۸	۶/۱۳	۲/۷۸	۴/۵۵	۲/۳۳	۶/۵۹
۱۷. بغل	۱/۳۷	۸/۷۷	۲/۱۵	۸/۳۳	۲/۲۹	۷/۶۶	۱/۴۶	۸/۹۵
۱۸. بوسه	۱/۴۹	۸/۳۷	۲/۱۲	۸/۶۹	۲/۱۶	۸/۱۵	۲/۰۵	۸/۷۷
۱۹. بوسیدن	۱/۷۶	۸/۲۵	۱/۹۸	۸/۶۰	۲/۱۵	۸/۰۳	۱/۹۲	۸/۸۵
۲۰. بی‌قراری	۲/۸۷	۶/۹۴	۱/۸۵	۲/۰۱	۲/۴۱	۶/۷۸	۲/۴۷	۷/۰۵
۲۱. پایبندی	۳/۴۵	۷/۶۲	۲/۴۱	۷/۵۷	۲/۲۶	۴/۳۲	۲/۲۹	۸/۷۷
۲۲. پلر	۲/۵۰	۷/۴۴	۲/۸۳	۷/۷۹	۲/۴۲	۶/۵۴	۱/۸۸	۸/۰۲
۲۳. پریشانی	۲/۹۰	۶/۸۰	۲/۱۷	۲/۶۹	۲/۱۹	۶/۲۶	۲/۳۴	۷/۰۵
۲۴. پشتوانه	۱/۷۸	۸/۵۲	۲/۸۱	۶/۸۹	۳/۳۹	۵/۳۵	۲/۷۴	۸/۶۶
۲۵. بی‌پناهی	۲/۲۵	۷/۳۲	۱/۷۸	۱/۴۲	۲/۳۱	۶/۷۹	۲/۶۸	۶/۲۲
۲۶. پیوند	۹	۹	۱/۴۴	۸/۴۴	۲/۳۴	۶/۴۲	۱/۴۴	۹/۲۱
۲۷. ترس	۲/۷۶	۷/۵۲	۲/۸۷	۲/۷۰	۱/۱۹	۷/۸۸	۱/۳۹	۷/۲۴
۲۸. ترک	۲/۶۸	۶/۹۱	۵/۸۹	۳/۷۸	۲/۴۵	۵/۵۷	۲/۶۶	۷/۰۵
۲۹. تعلق	۱/۲۶	۹/۱۳	۲/۹۳	۷/۶۲	۲/۹۲	۵/۸۶	۱/۳۷	۹/۰۳
۳۰. تعهد	۱/۸۸	۸/۴۱	۱/۶۳	۸/۲۳	۲/۴۴	۵/۹۴	۱/۴۶	۸/۳۳
۳۱. تکیه‌گاه	۱/۰۲	۹/۲۲	۲/۰۸	۸/۳۲	۲/۵۱	۵/۱۲	-۰/۸۸	۹/۱۲
۳۲. تنفر	۳/۰۵	۶/۶۱	۱/۳۷	۱/۵۶	۲/۱۹	۷/۲۳	۲/۵۱	۶/۸۹
۳۳. تنهایی	۲/۶۶	۷/۴۷	۲/۴۳	۲/۷۶	۲/۶۲	۷/۲۰	۱/۴۲	۷/۷۵
۳۴. توجه	۱/۵۳	۸/۶۳	۲/۹۲	۶/۷۲	۳/۱۰	۴/۴۲	۱/۶۹	۸/۱۸

ارتباط ۲		برانگیختگی		ظرفیت هیجانی		ارتباط ۱		واژه
<u>SD</u>	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>M</u>	
۲/۴۶	۶/۵۵	۲/۳۶	۷/۳۲	۲/۴۱	۳/۱۱	۲/۷۸	۶/۱۱	۳۵. تهدید
۲/۵۹	۷/۷۳	۲/۴۵	۷/۶۸	۱/۷۸	۲/۰۳	۲/۷۵	۷/۲۷	۳۶. جدایی
۲/۶۲	۹/۲۹	۲/۱۸	۵/۳۶	۲/۱۵	۷/۸۹	۱/۰۱	۹/۲۲	۳۷. حمایت
۲/۴۴	۸/۶۱	۲/۳۶	۶/۳۲	۲/۳۱	۷/۸۰	۱/۸۱	۸/۴۱	۳۸. خانواده
۲/۹۳	۶/۵۵	۲/۱۶	۶/۵۳	۳/۷۸	۴/۴۵	۲/۲۸	۶	۳۹. خداحافظی
۲/۷۳	۶/۰۵	۲/۱۳	۷/۶۹	۲/۶۷	۲/۷۸	۲/۴۳	۶/۴۱	۴۰. خشم
۲/۴۳	۷/۶۱	۲/۲۷	۶/۱۱	۲/۳۴	۵/۶۵	۲/۲۸	۷/۴۷	۴۱. خواستن
۲/۲۹	۷/۴۲	۲/۳۲	۷/۱۰	۲/۳۳	۸/۶۴	۲/۹۲	۶/۹۵	۴۲. خوشحالی
۲/۸۴	۷/۹۴	۲/۴۵	۶/۲۶	۲/۱۱	۸/۳۲	۱/۱۵	۸/۴۱	۴۳. خواستنی
۲/۷۵	۸/۱۲	۲/۱۵	۶/۲۴	۲/۷۳	۶/۴۵	۲/۵۱	۷/۱۱	۴۴. خواهر
۲/۸۸	۶/۰۲	۲/۲۵	۸/۰۲	۱/۱۵	۱/۴۵	۳/۱۱	۶/۴۷	۴۵. خیانت
۲/۷۹	۸/۳۳	۲/۳۵	۷/۲۵	۲/۶۵	۵/۰۹	۱/۶۵	۸/۱۱	۴۶. دل‌تنگی
۲/۲۷	۷/۹۵	۲/۳۴	۷/۴۶	۲/۵۹	۳/۷۷	۲/۵۲	۷/۸۸	۴۷. دلشوره
۲/۸۳	۷/۶۲	۲/۴۲	۷/۳۳	۲/۷۶	۳/۸۲	۲/۸۲	۷/۶۵	۴۸. دلپره
۲/۳۴	۸/۶۸	۲/۶۷	۶/۸۳	۲/۵۲	۷/۹۲	۱/۲۳	۸/۵۲	۴۹. دلگرمی
۲/۳۶	۷/۱۲	۲/۸۳	۵/۵۸	۲/۲۷	۳/۰۲	۲/۵۸	۶/۸۶	۵۰. دوری
۲/۸۹	۸/۵۵	۲/۳۴	۵/۷۳	۲/۶۴	۷/۸۸	۱/۹۴	۷/۲۵	۵۱. دوست
۲/۵۹	۷/۸۴	۲/۵۱	۶/۹۵	۲/۲۵	۸/۰۵	۲/۰۳	۷/۳۰	۵۲. دوستی
۲/۸۳	۸/۰۲	۲/۳۲	۷/۰۲	۳/۱۱	۸/۱۲	۱/۵۹	۷/۴۱	۵۳. دیدار
۲/۹۳	۸/۳۸	۲/۴۵	۷/۱۲	۲/۴۸	۷/۸۱	۱/۴۸	۸/۷۲	۵۴. رابطه
۲/۵۸	۷/۲۲	۲/۷۱	۶/۰۵	۲/۲۵	۷/۹۲	۱/۹۴	۷/۶۱	۵۵. رضایت
۲/۸۰	۷/۲۱	۲/۴۹	۵/۳۷	۲/۵۰	۷/۸۵	۲/۲۵	۷/۴۱	۵۶. رفیق
۳/۵۹	۵/۸۳	۱/۶۹	۷/۵۶	۲/۲۱	۲/۶۴	۳/۱۲	۶/۱۳	۵۷. رنج
۲/۸۴	۶/۷۵	۳/۱۱	۶/۰۵	۲/۴۱	۷/۱۲	۲/۷۸	۷/۰۲	۵۸. رهایی
۳/۲۴	۶/۸۵	۲/۲۸	۸/۱۰	۰/۶۷	۰/۸۲	۲/۷۶	۷/۰۵	۵۹. سوگ
۳/۰۵	۷/۴۸	۲/۳۶	۷/۵۹	۱/۲۳	۸/۶۱	۲/۳۱	۷/۲۷	۶۰. شادی
۳/۷۳	۵/۴۳	۲/۶۲	۷/۰۳	۳/۴۵	۴/۲۳	۲/۸۵	۶/۷۵	۶۱. شرم
۲/۷۱	۷/۹۰	۲/۳۴	۷/۲۵	۰/۹۵	۱/۳۳	۲/۵۴	۷/۷۹	۶۲. شکست
۲/۷۳	۷/۸۲	۲/۴۲	۶/۰۵	۲/۵۹	۸/۴۳	۱/۸۵	۷/۵۰	۶۳. شوق
۲/۱۹	۹/۲۹	۲/۵۷	۷/۰۴	۱/۵۷	۸/۲۹	۱/۱۴	۹	۶۴. صمیمیت
۳/۴۱	۶/۹۰	۲/۳۵	۷/۳۹	۱/۰۹	۱/۴۸	۳/۱۱	۷/۳۶	۶۵. طرد
۲/۰۲	۸/۷۵	۲/۹۳	۷/۶۸	۲/۴۵	۷/۵۹	۱/۵۷	۸/۶۳	۶۶. عاشق
۲/۴۹	۷/۴۳	۲/۸۵	۷/۵۱	۲/۷۴	۶/۸۵	۲/۹۲	۷/۸۵	۶۷. عاطفه
۳/۱۸	۷/۱۲	۲/۵۲	۸/۰۵	۰/۸۴	۱/۰۳	۱/۸۴	۷/۸۸	۶۸. عزا
۲/۷۶	۷/۱۹	۲/۸۱	۷/۱۵	۲/۳۳	۷/۲۵	۲/۲۲	۶/۹۱	۶۹. عزیز
۲/۹۳	۹/۵۸	۲/۶۲	۸/۳۶	۱/۲۶	۸/۵۶	۱/۰۵	۹/۲۵	۷۰. عشق
۲/۵۸	۷/۷۵	۲/۴۰	۷/۷۴	۲/۵۵	۷/۲۴	۲/۲۱	۷/۵۰	۷۱. علاقه

واژه	ارتباط ۱		ظرفیت هیجانی		برانگیختگی		ارتباط ۲	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
۷۲. غم	۲/۷۰	۶/۳۸	۱/۳۶	۲/۸۲	۲/۷۹	۸/۰۳	۲/۴۱	۶/۲۲
۷۳. فاصله	۲/۶۵	۷/۱۶	۳/۱۴	۴/۲۱	۲/۵۲	۶/۵۴	۲/۴۱	۷/۷۶
۷۴. فراق	۲/۵۰	۷/۱۶	۲/۱۲	۳/۹۰	۳/۱۵	۷/۷۸	۲/۴۴	۷/۸۱
۷۵. فرزند	۱/۸۶	۸/۶۶	۳/۴۵	۵/۵۹	۳/۳۹	۵/۱۰	۲/۲۵	۸/۸۰
۷۶. فقدان	۲/۴۱	۷/۴۱	۲/۹۵	۳/۸۵	۳/۴۵	۶/۸۰	۳/۱۶	۶/۷۹
۷۷. قهر	۲/۵۷	۶/۷۲	۳/۳۶	۴/۰۷	۲/۹۰	۶/۷۹	۲/۸۹	۶/۱۲
۷۸. کودکی	۱/۹۵	۸/۲۲	۲/۴۲	۶/۴۹	۲/۵۴	۵/۴۷	۲/۳۷	۷/۱۲
۷۹. گریه	۲/۵۹	۶/۶۱	۲/۳۹	۴/۲۸	۲/۲۸	۷/۵۸	۲/۸۹	۶/۱۹
۸۰. لذت	۲/۰۶	۶/۸۳	۲/۳۲	۸/۳۹	۲/۵۳	۷/۴۴	۲/۵۶	۶/۰۳
۸۱. مادر	۱/۰۶	۹/۳۳	۱/۲۸	۸/۴۰	۲/۲۶	۷/۸۸	۲/۴۴	۹/۱۲
۸۲. مادر بزرگ	۲/۶۵	۶/۴۷	۲/۵۷	۷/۵۵	۲/۳۹	۶/۵۲	۲/۷۱	۶/۹۰
۸۳. محبت	۱/۸۰	۸/۹۴	۲/۲۹	۸/۴۸	۲/۲۷	۷/۷۴	۲/۲۲	۹/۰۲
۸۴. محبوب	۱/۶۳	۸/۳۳	۳/۱۲	۷/۲۱	۲/۳۴	۷/۰۲	۲/۲۳	۸/۶۶
۸۵. مراقب	۱/۷۱	۸/۱۹	۳/۳۷	۵/۴۶	۳/۲۳	۴/۳۵	۳/۳۶	۵/۸۹
۸۶. مراقبت	-/۸۷	۹/۴۱	۲/۸۳	۶/۲۵	۲/۸۰	۵/۵۲	۳/۱۹	۵/۹۷
۸۷. مرگ	۳/۱۲	۶/۴۷	-/۹۰	۱/۱۶	۲/۸۲	۸/۰۶	۳/۱۱	۶/۰۵
۸۸. معشوق	۱/۰۶	۸/۹۲	۱/۴۰	۸/۰۴	۲/۸۶	۷/۴۲	۲/۴۱	۹/۳۱
۸۹. مهر	۱/۷۶	۷/۵۸	۲/۴۴	۷/۶۲	۲/۴۱	۶/۵۵	۲/۷۶	۷/۸۵
۹۰. مهربانی	۱/۶۳	۷/۸۸	۲/۰۸	۸/۲۵	۲/۳۷	۷/۰۳	۱/۹۵	۷/۹۸
۹۱. مهرورزی	۱/۹۵	۷/۶۳	۲/۵۶	۷/۳۳	۲/۷۹	۷/۶۳	۲/۱۸	۷/۷۲
۹۲. ناامنی	۳/۲۷	۷/۵۵	۱/۳۴	۱/۸۲	۱/۸۰	۷/۵۵	۲/۶۹	۶/۲۱
۹۳. ناامیدی	۲/۹۱	۶/۱۹	۱/۲۰	۱/۵۵	۲/۲۵	۷/۸۹	۲/۷۱	۶/۰۹
۹۴. نزدیکی	۱/۰۴	۸/۷۷	۲/۲۵	۶/۸۹	۲/۳۷	۵/۴۵	۲/۰۸	۸/۸۹
۹۵. نگرانی	۲/۳۰	۷/۱۱	۱/۱۹	۳/۴۸	۱/۷۴	۷/۲۳	۲/۷۴	۷/۱۹
۹۶. نوازش	۱/۲۸	۹/۰۵	۸/۷۹	۱/۷۳	۲/۲۶	۷/۵۸	۲/۴۴	۹/۲۶
۹۷. نیاز	۱/۷۵	۸/۶۶	۲/۳۰	۵/۱۹	۳/۲۶	۴/۷۳	۲/۳۶	۷/۸۶
۹۸. وابستگی	۲/۳۲	۷/۶۹	۲/۸۹	۵/۳۴	۲/۰۶	۷/۰۵	۲/۵۵	۸/۳۵
۹۹. وصال	۱/۷۲	۸/۳۸	۲/۳۷	۷/۴۹	۲/۱۹	۷/۳۲	۲/۶۱	۸/۷۵
۱۰۰. همدردی	۱/۲۵	۸/۹۳	۲/۲۸	۶/۸۳	۱/۷۶	۶/۹۲	۲/۳۹	۸/۳۲
۱۰۱. همدلی	۱/۴۳	۸/۶۶	۲/۸۲	۶/۵۵	۲/۳۲	۶/۸۸	۲/۴۱	۸/۰۲
۱۰۲. همدم	۲/۵۲	۸/۵۸	۲/۴۹	۶/۹۳	۲/۲۷	۵/۷۸	۲/۸۳	۸/۶۶
۱۰۳. همراه	۱/۶۴	۸/۳۶	۲/۱۹	۶/۵۸	۲/۳۲	۴/۷۹	۲/۹۶	۸/۶۶
۱۰۴. همراهی	۱/۴۲	۸/۲۷	۲/۳۲	۶/۸۰	۲/۱۶	۴/۴۳	۲/۷۰	۸/۷۵
۱۰۵. همسر	۱/۴۱	۸/۷۷	۲/۱۹	۷/۷۹	۱/۶۵	۵/۴۲	۲/۶۱	۸/۹۰
۱۰۶. هیجان	۱/۷۵	۷/۶۳	۲/۵۰	۶/۳۲	۲/۳۴	۷/۷۶	۲/۵۹	۷/۱۷
۱۰۷. یار	۱/۸۱	۸/۳۰	۱/۵۲	۶/۵۹	۲/۲۶	۶/۵۷	۲/۹۶	۸/۵۹

در جدول ۳ میانگین و انحراف استاندارد برانگیختگی، ظرفیت و ارتباط هر واژه با دلبستگی و همبستگی میان ابعاد آن‌ها ارائه شده است.

جدول ۳

میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش (ارتباط ۱ از دید متخصصان و ارتباط ۲ از دید شرکت‌کنندگان عادی)

متغیر	M	SD	۱	۲	۳
۱. ارتباط ۱	۷/۸۰	۰/۹۱	-		
۲. ظرفیت	۵/۹۶	۲/۴۲	۰/۴۳**	-	
۳. برانگیختگی	۶/۶۸	۱/۰۵	-۰/۲۲*	-۰/۲۵**	-
۴. ارتباط ۲	۷/۸۰	۱/۰۳	۰/۸۱**	۰/۳۹**	-۰/۲۰*

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

در شکل ۲، نمودار پراکندگی واژگان دلبستگی بر اساس میانگین آن‌ها در ظرفیت و برانگیختگی هیجانی ارائه شده که نشان‌دهنده تعامل این دو بعد هیجانی در ارتباط با هر واژه است. برای مثال، واژه شماره ۷۰ (عشق) در یک‌چهارم بالا سمت راست قرار گرفته که نشان‌دهنده خوشایندی و برانگیختگی بالای آن است. واژه شماره ۵۹ (سوغ) در یک‌چهارم پایین سمت راست جای دارد؛ این واژه از لحاظ بار هیجانی محتوایی ناخوشایند دارد ولی از لحاظ برانگیختگی، نمره بالایی گرفته است. در یک‌چهارم پایین سمت چپ، واژه شماره ۵۰ (دوری) قرار گرفته که بار هیجانی نسبتاً ناخوشایند و برانگیختگی متوسطی دارد. در یک‌چهارم بالا سمت چپ، واژه شماره ۲۱ (پابندی) جای گرفته که از برانگیختگی پایین و بار هیجانی (خوشایندی) بالایی برخوردار است.

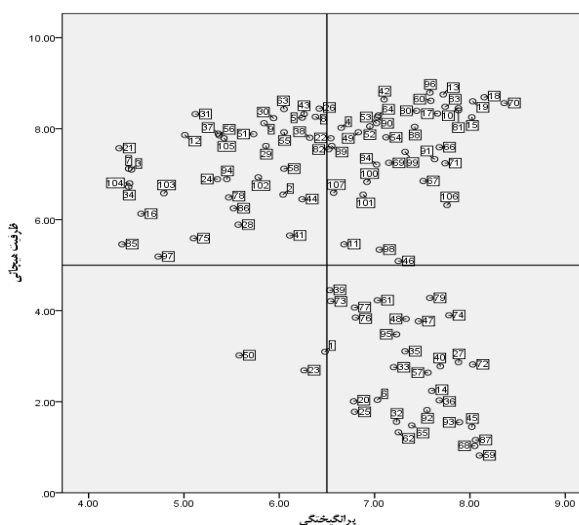
برای بررسی تفاوت‌های احتمالی دو جنس در تخصیص نمره به ظرفیت و برانگیختگی هیجانی واژگان، از آزمون تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. در این آزمون، نوع محرک (مثبت یا منفی) به‌عنوان عامل درون‌آزمودنی و جنس (زن یا مرد) به‌عنوان عامل بین‌آزمودنی وارد تحلیل شدند (جدول ۴). دلیل وارد کردن نوع محرک آن بود که مثبت یا منفی بودن محتوای یک واژه بر نمره ظرفیت هیجانی اثرگذار است و برانگیختگی بالا و پایین درباره تصاویر مثبت و منفی دربردارنده معانی متفاوتی است. عدم معناداری نتایج آزمون موچلی^۱ ($w = 0/981$ ، موچلی، $sig = 0/92$) نشان‌دهنده برقراری فرض کرویت بود، بدین ترتیب نتایج تحلیل واریانس آمیخته در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴

خلاصه نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای مقایسه زنان و مردان در نمره‌های ظرفیت هیجانی به واژگان مثبت و منفی

درجات آزادی ۱ و ۲ مجزورات	میانگین	F	معناداری اندازه اثر	نوع واژه	
				۱	۲
۱،۱۲۲	۲۷۲۷/۵۲	۳/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۹۰	نوع واژه
۱،۱۲۲	۱۵/۴۸	۲۱/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۱۰	تعامل واژه و جنس
۱،۱۲۲	۲/۳۹	۴/۱۴	۰/۰۴	۰/۰۲	جنس

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، بین ظرفیت و برانگیختگی، رابطه منفی معنادار ($r = -0/25$) و بین پاسخ‌های متخصصان و افراد غیرمتخصص به سوال «ارتباط با دلبستگی»، رابطه مثبت معنادار ($r = 0/81$) وجود دارد. این مقدار نشان‌دهنده هماهنگی بالای پاسخ شرکت‌کنندگان مرحله دوم و سوم در زمینه ارتباط واژگان با دلبستگی است. از سوی دیگر، بین ظرفیت هیجانی و برانگیختگی با ارتباط واژه با دلبستگی، به ترتیب رابطه مثبت و منفی معنادار برقرار است.



شکل ۲. نمودار پراکندگی ظرفیت هیجانی و برانگیختگی واژگان دلبستگی

زبان انگلیسی را مطابق با روی آورد ابعادی تهیه کرده‌اند. پیش از این، نظام بین‌المللی تصاویر عاطفی^۲ و نظام بین‌المللی آواهای رقمی شده عاطفی^۳ با هدف معرفی محرک‌های همگن و هماهنگ از سوی پژوهشگران فوق تهیه شده بود. بعدها این مجموعه واژگان به زبان‌های دیگر گسترش یافت و مجموعه‌های فراوانی در نقاط مختلف دنیا توسط پژوهشگران مختلف معرفی شد. در این پژوهش نیز سعی بر آن بوده است که این تلاش در قلمرویی خاص تر انجام شود. به‌طور کلی الگوی توصیفی یافته‌ها همخوان با پژوهش‌های برادلی و لانگ (۱۹۹۴)، مورز و دیگران (۲۰۱۳)، و هو و دیگران (۲۰۱۵) است. بدین صورت که واژگان بسیار خوشایندی همچون «عشق» و «مادر»، نمره‌های بالایی در ظرفیت هیجانی به‌دست آوردند و هم‌زمان دارای قدرت برانگیزانندگی بالایی نیز بودند. همچنین، برخی از واژگانی که معانی مثبت داشتند (برای مثال ارزشمندی) به‌رغم کسب نمره بالا در ظرفیت هیجانی، از برانگیزانندگی پایینی برخوردار بودند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد بین ظرفیت هیجانی و برانگیزانندگی، رابطه منفی معنادار وجود دارد. در تفسیر این یافته می‌توان گفت، واژگان دارای برانگیزانندگی بسیار بالا، از ظرفیت هیجانی منفی تری برخوردار هستند؛ به عبارت دیگر، واژه‌ای مانند «سوگ» یا «مرگ» بسیار برانگیزاننده و بسیار منفی ارزیابی می‌شود. مرور نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که یافته‌های همسانی در این باره وجود ندارد. برخی پژوهشگران هیچ رابطه‌ای بین برانگیزانندگی و ظرفیت هیجانی به‌دست نیاورده‌اند (برای مثال، مورز و دیگران، ۲۰۱۳)، و برخی دیگر همسو با یافته این پژوهش، رابطه‌ای منفی بین این دو متغیر گزارش کرده‌اند (هو و دیگران، ۲۰۱۵).

بر اساس یافته دیگر پژوهش، بین نمره ظرفیت و میزان ارتباط واژگان با دل‌بستگی است، رابطه مثبت وجود دارد. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت که هر چه ارتباط یک واژه با دل‌بستگی بیش تر است، آن واژه محتوای خوشایندتری برای افراد دارد و هرچه قدرت برانگیزانندگی یک واژه بیش تر است، ارتباط کم‌تری با دل‌بستگی دارد. از آنجا که پژوهش مشابهی در قلمرو دل‌بستگی یافت نشد، به نظر می‌رسد این یافته نیازمند بررسی بیشتر در پژوهش‌های آتی

بر اساس نتایج جدول ۴، اثر اصلی نوع واژه ($F=3/74$)، اثر تعاملی واژه و جنس ($F=21/24$)، اثر اصلی جنس ($P<0/001$) و نیز اثر اصلی جنس ($F=4/14$) معنادار است. نتیجه آزمون بونفرونی^۱ نشان داد که تفاوت زنان و مردان، هم در واژگان مثبت و هم منفی معنادار است. مقایسه میانگین‌ها نیز نشان داد که زنان به واژگان مثبت، نمره بالاتر و به واژگان منفی، نمره پایین‌تر داده‌اند؛ به عبارت دیگر، زنان خوشایندی و ناخوشایندی را شدیدتر از مردان ادراک کرده‌اند.

در جدول ۵، نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای بررسی تفاوت زنان و مردان در نمره‌های برانگیزانندگی ارائه شده است. برای بررسی فرض کرویت از آزمون موچلی استفاده شد که نتایج نشان‌دهنده برقراری فرض کرویت بود ($w=0/942$) موچلی، ($sig=0/83$).

جدول ۵

خلاصه نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای مقایسه زنان و مردان در نمره‌های برانگیزانندگی به واژگان مثبت و منفی

درجات آزادی ۱ و ۲	میانگین مجزورات	F	معناداری اندازه اثر	درجات آزادی ۱ و ۲	
				۱	۲
نوع واژه	۱،۱۲۲	۹۷/۲۸	۹۷/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۵۵
تعامل واژه و جنس	۱،۱۲۲	۰/۱۲	۰/۲۴	۰/۶۲	۰/۰۰۱
جنس	۱،۱۲۲	۴/۳۷	۰/۹۱	۰/۳۴	۰/۰۰۵

بر اساس یافته‌های جدول ۵، اثر خالص نوع واژه معنادار اما تعامل واژه و جنس و اثر خالص جنس معنادار نیست. با توجه به این یافته، بین زنان و مردان در تخصیص نمره‌های برانگیزانندگی به واژگان مثبت و منفی، تفاوتی وجود ندارد.

بحث

این پژوهش با هدف گردآوری واژگان مرتبط با دل‌بستگی انجام شد. پژوهش‌های پیشین معمولاً با دیدگاهی کلی به تهیه ابعاد هیجانی واژگان در یک زبان خاص پرداخته‌اند. برای مثال، در یکی از نخستین بررسی‌ها، برادلی و لانگ (۱۹۹۹) در راستای تکمیل پژوهش‌های پیشین خود، مجموعه واژگان هیجانی در

گرفت که نتایج نشان‌دهنده همبستگی بالای پاسخ‌ها در دو مرحله فوق بود. از توافق بالای نمرات شرکت‌کنندگان مرحله دوم و سوم می‌توان نتیجه گرفت که واژگان گردآوری‌شده با مفهوم دلبستگی مرتبط است.

چنین پژوهش‌هایی افزون بر ایجاد خط پژوهشی نو در قلمرو دلبستگی، می‌توانند به تعریف دقیق‌تر ابعاد خودکار دلبستگی و ساخت ابزارهای مناسب‌تر برای تشخیص و افتراق سبک‌های دلبستگی در سطح خودکار بیانجامند. همچنین، بهره‌گیری از یک مجموعه همگن و هنجاریابی‌شده می‌تواند ضمن افزایش قابلیت تکرارپذیری یافته‌ها، منجر به تسهیل ارتباط علمی میان پژوهشگران قلمرو دلبستگی شده و امکان مقایسه نتایج پژوهش‌های مختلف را فراهم کند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش عدم بررسی میزان کاربرد هر واژه در ادبیات زندگی روزمره و سن یادگیری این واژه‌ها در زبان فارسی است. اگرچه با به‌کارگیری راهبرد تداعی واژگان در مرحله نخست، تا حدودی می‌توان ادعا کرد که این مجموعه تنها حاوی واژگان رایج در زندگی روزمره است و کاربردپذیری آن‌ها تقریباً به هم نزدیک است. نکته دیگر اینکه عدم تداعی واژگان مرتبط اما کم‌کاربردی همچون دلارام، نگار، دلدار، دلبند، هجران، غربت و غیره لزوماً نشان‌دهنده عدم ارتباط آن‌ها با دلبستگی نیست و ممکن است این واژگان، اثر برانگیزان قابل توجهی در زمینه دلبستگی داشته باشند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با به‌کارگیری روش‌شناسی متفاوت، نقش چنین واژگانی در برانگیزاندن افکار و احساس‌های مرتبط با دلبستگی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ملکی، ق.، مظاهری، م. و دهقانی، م. (۱۳۹۲). ساخت و اعتباریابی آزمون دات‌پروب برای اندازه‌گیری توجه انتخابی نسبت به تصاویر مرتبط با دلبستگی. *مجله روان‌شناسی*، ۱۷ (۳)، ۲۹۳-۲۷۵.
- نجاتی، و.، ملکی، ق.، ذبیح‌زاده، ع. و صفرزاده، م. (۱۳۹۱). نقص توجه در اختلال وسواس-بی‌اختیاری: تعیین واژه‌های فارسی مرتبط با وسواس و سوگیری توجه به آن‌ها. *فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰ (۱)، ۱۹-۱۰.
- نظری، م.، خیاطی، ف.، پورشریفی، ح.، حکیمی، م. و شجاعی، ز. (۱۳۹۲).

است. با این حال، می‌توان به‌طور کلی همبستگی میان خوشایندی و ارتباط با دلبستگی را با اثرات شفاف‌بخش^۱ دلبستگی ایمن تبیین کرد. برخی از پژوهش‌های پیشین با بهره‌گیری از راهبرد برانگیزان ایمنی^۲ و فعال‌سازی بازنمایی‌های ذهنی مبتنی بر نگاره‌های دلبستگی حمایت‌گر، به‌دنبال بررسی اثرات ایمنی بر متغیرهای روان‌شناختی مختلف هستند. این راهبرد شامل ارائه محرک‌هایی (مانند تصاویر و واژه‌ها) است که نشان‌دهنده دسترس‌پذیری و پاسخگو بودن نگاره‌های دلبستگی است (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). برانگیزان ایمن، خلق شرکت‌کنندگان را حتی در شرایط تهدیدآمیز، بالا برده و منجر به کاهش نشانه‌های برخی اختلال‌های هیجانی می‌شود (دوتان و دیگران، ۲۰۱۶).

در این پژوهش، تفاوت‌های دو جنس در نمره‌دهی به ظرفیت هیجانی و برانگیختگی نیز بررسی شد که نتایج نشان‌دهنده تفاوت در ظرفیت هیجانی واژگان مثبت و منفی و عدم تفاوت در میزان برانگیختگی بود. بر اساس این یافته، زنان در ارزیابی ظرفیت هیجانی، واژگان مثبت را خوشایندتر و واژگان منفی را ناخوشایندتر از مردان ارزیابی می‌کنند؛ به عبارت دیگر، ظرفیت هیجانی، با شدت بیشتری در زنان ادراک می‌شود. این یافته با پژوهش‌های مجموعه واژگان هیجانی در زبان پرتغالی (سوارز و دیگران، ۲۰۱۲)، فرانسوی (برای مثال، مانیر و سیساو، ۲۰۱۴) و آلمانی (ریگل و دیگران، ۲۰۱۵) همسو است. با وجود ناهمخوانی در پیشینه پژوهشی، به‌طور کلی زنان به تفسیر منفی‌تر از محرک‌ها گرایش دارند و این امر با شیوع بیشتر اضطراب و افسردگی در آن‌ها مرتبط است (استیونز و هامان، ۲۰۱۲). از آنجا که نتایج برخی پژوهش‌ها بر ابراز بیشتر هیجان در زنان دلالت دارد (دنگ و دیگران، ۲۰۱۶)، احتمالاً این یافته تنها به ابزار هیجان و نه تجربه هیجانی مربوط است. از سوی دیگر، تفاوت‌های جنسیتی به نوع هیجان مورد بررسی نیز بستگی دارد (دنگ و دیگران، ۲۰۱۶) و با توجه به اینکه سازه دلبستگی در بردارنده هیجان‌های مختلفی است، احتمالاً این یافته درباره تمام هیجان‌ها صادق نیست؛ بنابراین در تفسیر آن باید احتیاط کرد.

در این پژوهش، ارتباط واژگان با دلبستگی نیز در دو مرحله توسط متخصصان و شرکت‌کنندگان عادی مورد ارزیابی قرار

- Chavis, J. M., & Kisley, M. A. (2012). Adult attachment and motivated attention to social images: Attachment-based differences in event-related brain potentials to emotional images. *Journal of Research in Personality, 46*(1), 55-62.
- Dan, O., & Raz, S. (2012). Adult attachment and emotional processing biases: an event-related potentials (ERPs) study. *Biological Psychology, 91*(2), 212-220.
- Dan-Glauser, E. S., & Scherer, K. R. (2011). The Geneva affective picture database (GAPED): a new 730-picture database focusing on valence and normative significance. *Behavior Research Methods, 43*(2), 468-477.
- Deng, Y., Chang, L., Yang, M., Huo, M., & Zhou, R. (2016). Gender differences in emotional response: Inconsistency between experience and expressivity. *PloS One, 11*(6), 30-41.
- Dewitte, M., & De Houwer, J. (2008). Adult attachment and attention to positive and negative emotional face expressions. *Journal of Research in Personality, 42*(2), 498-505.
- Dewitte, M., & Koster, E. H. (2014). Attentional breadth and proximity seeking in romantic attachment relationships. *British Journal of Social Psychology, 53*(1), 74-92.
- Dewitte, M., De Houwer, J., Goubert, L., & Buysse, A. (2010). A multi-modal approach to the study of attachment-related distress. *Biological Psychology, 85*(1), 149-162.
- Dewitte, M., Koster, E. H., De Houwer, J., & Buysse, A. (2007). Attentive processing of threat and adult attachment: A dot-probe study. *Behaviour Research and Therapy, 45*(6), 1307-1317.
- Donges, U. S., Zeitschel, F., Kersting, A., & Suslow, T. (2015). Adult attachment orientation and automatic processing of emotional information on a semantic level: A masked affective priming study. *Psychiatry Research, 229*(1), 174-180.
- Dutton, D. G., Lane, R. A., Koren, T., & Bartholomew, K. (2016). Secure base priming diminishes conflict-based anger and anxiety. *PloS One, 11*(9), 11-22.
- Dykas, M. J., Woodhouse, S. S., Jones, J. D., & تہیہ ہنجار مقدماتی بار هیجانی واژگان فارسی. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۴(۴)، ۷۱-۴۱.
- نظری، م، نبی‌زاده چینی، ق،، واحدی، ش. و رستمی، م. (۱۳۹۱). روایی و پایایی آزمون خودارزیابی تصاویر آدمک. پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۶(۲)، ۶۱-۵۲.
- Baldwin, M. W. (1995). Relational schemas and cognition in close relationships. *Journal of Social and Personal Relationships, 12*(4), 547-552.
- Baldwin, M. W., Fehr, B., Keedian, E., Seidel, M., & Thomson, D. W. (1993). An exploration of the relational schemata underlying attachment styles: Self-report and lexical decision approaches. *Personality and Social Psychology Bulletin, 19*(6), 746-754.
- Bosmans, G., Bowles, D. P., Dewitte, M., De Winter, S., & Braet, C. (2014). An experimental evaluation of the State Adult Attachment Measure: The influence of attachment primes on the content of state attachment representations. *Journal of Experimental Psychopathology, 5*(2), 134-150.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Volume I. Attachment*. London: The Tavistock Institute of Human Relations.
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: retrospect and prospect. *American Journal of Orthopsychiatry, 52*(4), 664-678.
- Bradley, M. M., & Lang, P. J. (1994). Measuring emotion: the self-assessment manikin and the semantic differential. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry, 25*(1), 49-59.
- Bradley, M. M., & Lang, P. J. (1999). *Affective norms for English words (ANEW): Instruction manual and affective ratings*. Technical Report C-1, The Center for Research in Psychophysiology, University of Florida.
- Bynion, T. M., & Feldner, M. T. (2017). Self-assessment manikin. *Encyclopedia of Personality and Individual Differences, 1*-3.
- Cassidy, J., & Kobak, R. R. (1988). Avoidance and its relation to other defensive processes. *Clinical Implications of Attachment, 1*, 300-323.

- Bias of Avoidant Individuals to Attachment Emotion Pictures. *Scientific Reports*, 7(41), 1-9.
- Maier, M. A., Bernier, A., Pekrun, R., Zimmermann, P., Strasser, K., & Grossmann, K. E. (2005). Attachment state of mind and perceptual processing of emotional stimuli. *Attachment & Human Development*, 7(1), 67-81.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2005). Attachment theory and emotions in close relationships: Exploring the attachment-related dynamics of emotional reactions to relational events. *Personal Relationships*, 12(2), 149-168.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. New York: Guilford Press.
- Mikulincer, M., Birnbaum, G., Woddis, D., & Nachmias, O. (2000). Stress and accessibility of proximity-related thoughts: Exploring the normative and intraindividual components of attachment theory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(3), 509-532.
- Monnier, C., & Syssau, A. (2014). Affective Norms for French Words (FAN). *Behavior Research Methods*, 46, 1128-1137.
- Moors, A., De Houwer, J., Hermans, D., Wanmaker, S., Van Schie, K., Van Harmelen, A. L., ... & Brysbaert, M. (2013). Norms of valence, arousal, dominance, and age of acquisition for 4,300 Dutch words. *Behavior Research Methods*, 45(1), 169-177.
- Norman, L., Lawrence, N., Iles, A., Benattayallah, A., & Karl, A. (2014). Attachment-security priming attenuates amygdala activation to social and linguistic threat. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 10(6), 832-839.
- Parsons, C. E., Young, K. S., Murray, L., Stein, A., & Kringelbach, M. L. (2010). The functional neuroanatomy of the evolving parent-infant relationship. *Progress in Neurobiology*, 91(3), 220-241.
- Pizziconi, B. (2007). The lexical mapping of politeness in British English and Japanese. *Journal of Politeness Research. Language, Behaviour, Culture*, 3(2), 207-241.
- Rellecke, J., Palazova, M., Sommer, W., & Schacht, A. Cassidy, J. (2014). Attachment-related biases in adolescents' memory. *Child Development*, 85(6), 2185-2201.
- Edelstein, R. S., & Gillath, O. (2008). Avoiding interference: Adult attachment and emotional processing biases. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34(2), 171-181.
- Ferrand, L., New, B., Brysbaert, M., Keuleers, E., Bonin, P., Méot, A., ... & Pallier, C. (2010). The French Lexicon Project: Lexical decision data for 38,840 French words and 38,840 pseudowords. *Behavior Research Methods*, 42(2), 488-496.
- Fraley, R., Niedenthal, P. M., Marks, M., Brumbaugh, C., & Vicary, A. (2006). Adult attachment and the perception of emotional expressions: Probing the hyperactivating strategies underlying anxious attachment. *Journal of Personality*, 74(4), 1163-1190.
- Gander, M., & Buchheim, A. (2015). Attachment classification, psychophysiology and frontal EEG asymmetry across the lifespan: a review. *Frontiers in Human Neuroscience*, 9(79), 1-16.
- Haberkamp, A., Glombiewski, J. A., Schmidt, F., & Barke, A. (2017). The DIsgust-RelaTed-Images (DIRTI) database: Validation of a novel standardized set of disgust pictures. *Behaviour Research and Therapy*, 89, 86-94.
- Ho, S. M., Mak, C. W., Yeung, D., Duan, W., Tang, S., Yeung, J. C., & Ching, R. (2015). Emotional valence, arousal, and threat ratings of 160 Chinese words among adolescents. *PLoS One*, 10(7), 1-13.
- Huffmeijer, R., Alink, L. R., Tops, M., Grewen, K. M., Light, K. C., Bakermans-Kranenburg, M. J., & van IJzendoorn, M. H. (2013). The impact of oxytocin administration and maternal love withdrawal on event-related potential (ERP) responses to emotional faces with performance feedback. *Hormones and Behavior*, 63(3), 399-410.
- Leyh, R., Heinisch, C., Kungl, M. T., & Spangler, G. (2016). Attachment representation moderates the influence of emotional context on information processing. *Frontiers in Human Neuroscience*, 10(278), 1-13.
- Liu, Y., Ding, Y., Lu, L., & Chen, X. (2017). Attention

- Swain, J. E., Kim, P., Spicer, J., Ho, S. S., Dayton, C. J., Elmadih, A., & Abel, K. M. (2014). Approaching the biology of human parental attachment: Brain imaging, oxytocin and coordinated assessments of mothers and fathers. *Brain Research, 1580*, 78-101.
- Szymanska, M., Monnin, J., Noiret, N., Tio, G., Galdon, L., Laurent, E., ... & Vulliez-Coady, L. (2015). The Besancon affective picture set-adolescents (the BAPS-Ado): development and validation. *Psychiatry Research, 228*(3), 576-584.
- Van Rensbergen, B., De Deyne, S., & Storms, G. (2016). Estimating affective word covariates using word association data. *Behavior Research Methods, 48*(4), 1644-1652.
- Vrticka, P., & Vuilleumier, P. (2012). Neuroscience of human social interactions and adult attachment style. *Frontiers in Human Neuroscience, 6*(212), 1-12.
- Waller, C., Wittfoth, M., Fritzsche, K., Timm, L., Wittfoth-Schardt, D., Rottler, E., ... & Gündel, H. (2015). Attachment representation modulates oxytocin effects on the processing of own-child faces in fathers. *Psychoneuroendocrinology, 62*, 27-35.
- Warren, S. L., Bost, K. K., Roisman, G. I., Siltan, R. L., Spielberg, J. M., Engels, A. S., ... & Heller, W. (2010). Effects of adult attachment and emotional distractors on brain mechanisms of cognitive control. *Psychological Science, 21*(12), 1818-1826.
- (2011). On the automaticity of emotion processing in words and faces: event-related brain potentials evidence from a superficial task. *Brain and Cognition, 77*(1), 23-32.
- Riegel, M., Wierzba, M., Wypych, M., Żurawski, Ł., Jednoróg, K., Grabowska, A., & Marchewka, A. (2015). Nencki affective word list (NAWL): The cultural adaptation of the Berlin affective word list-reloaded (BAWL-R) for Polish. *Behavior Research Methods, 47*(4), 1222-1236.
- Schindler, S., Wegrzyn, M., Steppacher, I., & Kissler, J. (2015). Perceived communicative context and emotional content amplify visual word processing in the fusiform gyrus. *Journal of Neuroscience, 35*(15), 6010-6019.
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2004). What do self-report attachment measures assess. *Adult attachment: Theory, research, and clinical implications*, 17-54.
- Soares, A. P., Comesaña, M., Pinheiro, A. P., Simões, A., & Frade, C. S. (2012). The adaptation of the Affective Norms for English Words (ANEW) for European Portuguese. *Behavior Research Methods, 44*, 256-269.
- Stevens, J. S., & Hamann, S. (2012). Sex differences in brain activation to emotional stimuli: a meta-analysis of neuroimaging studies. *Neuropsychologia, 50*(7), 1578-1593.